

زید و صعصعه  
پسران صوحان

کامران محمد حسینی



- سرشناسه: محمد حسینی، کامران، ۱۳۶۲ -  
 عنوان و نام پدیدآور: زید و صعصعه پسران صوحان / مؤلف: کامران محمد حسینی .  
 مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۹۵ .  
 مشخصات ظاهری: ۱۳۶ ص .  
 شابک: ۴-۶۶۴-۵۴۰-۹۶۴-۹۷۸  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
 یادداشت: کتابنامه: ص . [ ۱۳۱ ] - ۱۳۶ .  
 موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق . -- اصحاب --  
 سرگذشتنامه  
 موضوع: Ashab -- Biography -- \*Ali Abi-talib, Imam I, 600 - 661 --  
 موضوع: زید بن صوحان، - ۳۶ ق .  
 موضوع: صعصعه بن صوحان  
 موضوع: صحابه -- سرگذشتنامه  
 موضوع: Muhammad, prophet, d. 632 -- Companions -- Biography  
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ز ۹ / ۲۶ م / ۳۷ / ۸۷ BP  
 رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۵۱  
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۶۵۰۵۱

## زید و صعصعه پسران صوحان

تألیف:	کامران محمد حسینی
تدوین:	پژوهشکده حج و زیارت
ناشر:	مؤسسه فرهنگی هنری مشعر
چاپ و صحافی:	چاپخانه مشعر
نوبت چاپ:	اول - پاییز ۱۳۹۵
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
بها:	۵۰۰۰ تومان

شابک: ۴-۶۶۴-۵۴۰-۹۶۴-۹۷۸ ISBN: 978-964-540-664-4

مراکز پخش و فروشگاه‌های مشعر:

تهران: تلفن: ۰۲۱-۶۴۵۱۲۰۰۳ / قم: تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۸۴۰۰

## فهرست

- ۷..... دیاچه
- ۹..... مقدمه
- ۱۱..... سرآغاز
- ۱۷..... خاستگاه قبیله‌ای پسران صوحان
- ۱۹..... اسلام عبدالقیس
- ۲۳..... عبدالقیس در زمان ارتداد اهل بحرین
- ۲۴..... عبدالقیس و تشیع
- ۲۷..... پسران صوحان در زمان حیات پیامبر ﷺ
- ۳۱..... پسران صوحان در زمان خلفا
- ۳۴..... زید و صعصعه در فتوحات عراق
- ۴۰..... زید و صعصعه در زمان خلافت عثمان
- ۴۵..... تبعید به شام
- ۴۷..... صعصعه سخنگوی مخالفان در برابر معاویه
- ۵۱..... ورود مخالفان به مدینه و قتل عثمان
- ۵۵..... پسران صوحان در زمان خلافت علی رضی الله عنه
- ۵۶..... جنگ جمل
- ۶۲..... نامه عایشه به زید بن صوحان
- ۶۲..... آغاز نبرد و شهادت زید

- صعصعة بن صوحان و همراهی امام علی علیه السلام ..... ۶۷
- جنگ صفین ..... ۶۷
- صعصعه در نبرد صفین ..... ۷۴
- خوارج و مأموریت صعصعه در مذاکره با آنان ..... ۷۶
- امام علی علیه السلام و صعصعه ..... ۸۱
- جدال صعصعه و معاویه در زمان امام حسن علیه السلام ..... ۸۷
- وفات صعصعه ..... ۹۴
- نگاهی به روایات پسران صوحان ..... ۹۵
- زید بن صوحان ..... ۹۵
- صعصعة بن صوحان ..... ۹۹
- زیارتگاه‌های منسوب به پسران صوحان ..... ۱۰۵
۱. زیارتگاه‌های منسوب به زید بن صوحان ..... ۱۰۶
- مقبره زید در بصره ..... ۱۰۶
- قبر منسوب به زید در بحرین ..... ۱۰۷
- مسجد زید بن صوحان در کوفه ..... ۱۰۸
- فضیلت و آداب دعا در مسجد زید بن صوحان ..... ۱۰۹
۲. زیارتگاه‌های منسوب به صعصعة بن صوحان ..... ۱۱۱
- قبر صعصعه در کوفه ..... ۱۱۱
- قبر صعصعه در بحرین ..... ۱۱۳
- قبر صعصعه در خوزستان ..... ۱۱۷
- بقعه علمدار ..... ۱۱۸
- مقام صعصعه در رقه ..... ۱۱۸
- مسجد صعصعة بن صوحان ..... ۱۱۹
- پیوست تصاویر ..... ۱۲۳
- فهرست منابع ..... ۱۳۱

## دیباچه

سعادت و پویایی جوامع بشر، که استوارترین آموزه‌های تربیتی و اساسی‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی به‌شمار می‌روند، در سایه شناخت و عمل به سیره اولیای الهی است. از این رو پژوهش در احوال آنان ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

گروه «تاریخ و سیره» پژوهشکده حج و زیارت، برای ترویج فرهنگ اصیل اهل بیت علیهم‌السلام، به شرح حال شماری از چهره‌های اثرگذار جهان اسلام، در قالب تک‌نگاره‌های مستقلی پرداخته، می‌کوشد زندگی‌نامه‌ای تفصیلی از هر فرد به دست دهد و زیارتگاه‌های منسوب به آنان را معرفی کند.

از میان زیارتگاه‌های شناخته شده در ایران و عراق، شمار فراوانی از قبور اصحاب بزرگوار ائمه علیهم‌السلام کانون توجه دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام واقع شده است. از همین رو، به تدوین شرح حال برخی صحابه نامور و تأثیرگذار در تاریخ اسلام و اعتلای فرهنگ تشیع پرداختیم و از آن میان زید و صعصعه، فرزندان صوحان را

برگزیدیم که دو تن از این نامداران به شمار می‌روند.  
در پایان، پژوهشکده حج و زیارت لازم می‌داند از تلاش مؤلف  
محترم، ارزیابان و همه دوستانی که در واحد آماده‌سازی پژوهشکده،  
در به ثمر رسیدن این اثر کوشیده‌اند، سپاس‌گزاری کند. به امید  
آنکه اثری ارزشمند در منظر صاحب‌نظران باشد.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه تاریخ و سیره



## مقدمه

پسران صوحان (زید، صعصعه و سیحان) از یاران نزدیک و شیعیان بلندمرتبه امام علی علیه السلام بودند. از میان این سه برادر، زید و صعصعه نزد شیعیان شناخته شده‌ترند؛ زیرا از سیحان اطلاعات اندکی در منابع تاریخی نقل شده است. این سه برادر از آغاز خلافت علی علیه السلام در رکاب او بودند و همراه دیگر اعضای قبیله «عبدالقیس» بخشی از سپاه وفادار آن حضرت را تشکیل می‌دادند.

زید و سیحان در نبرد جمل به شهادت رسیدند، اما صعصعه بن صوحان تا پایان خلافت امام علی علیه السلام همراه ایشان بود و پس از آن تا دوران خلافت امام حسن علیه السلام و زمان امارت معاویه می‌زیست. صعصعه توانایی ویژه‌ای در سخنوری داشت؛ از این رو در دوره خلافت علی علیه السلام، بارها سفیر ایشان نزد مخالفان بود.

در این نوشتار می‌کوشیم مختصری از زندگی زید و صعصعه را بیان کنیم و زیارتگاه‌های منسوب به آنان را معرفی نماییم. اطلاعات تاریخی چندانی از زندگی پسران صوحان در سال‌های

نخست اسلام تا دوره خلافت عثمان وجود ندارد. با این حال، با بررسی اسناد تاریخی‌ای که از قبیله عبدالقیس به دست آمده است، تا اندازه‌ای درباره این دوره از زندگی پسران صوحان آگاهی یافتیم. پسران صوحان، به خصوص صعصعه، به سخنوری و قدرت خطابه شهرت داشته‌اند. خطابه‌ها و گفت‌وگوهای بسیاری از صعصعه بن صوحان در منابع تاریخی یافت می‌شود که همچون دیگر نمونه‌های برجسته ادب عرب در منابع قدیم بازتاب یافته است. از این رو بخشی از کتاب را به اختصار، به نقل این گفت‌وگوها اختصاص دادیم.

در پایان لازم است از مسئولان محترم پژوهشکده حج و زیارت، به خصوص جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمدمهدی فقیه بحرالعلوم، مدیر محترم گروه «تاریخ و سیره» که ضمن فراهم کردن امکان نگارش این اثر، مرا در گردآوری اطلاعات مزارشناسی پسران صوحان یاری دادند و نیز جناب حجت‌الاسلام دکتر محمدمسعود سعید نجاتی که با خواندن این کتاب، برخی کاستی‌ها را یادآور شدند، تشکر کنم.



## سرآغاز

زید، سیحان و صعصعه سه پسر صوحان بودند که منابع تراجم و انساب نسبش را با اختلافاتی جزئی چنین دانسته‌اند: صوحان بن حجر ابن حارث بن هجرس بن صبره بن حدرجان بن عساس بن لیث بن حُداد بن ظالم بن ذُهل بن عجل بن عمرو بن ودیعه بن لکیز بن اُفصی ابن عبدالقیس بن افسی بن دعمی بن جدیله بن اسد بن ربیعه بن نزار.<sup>۱</sup>

درباره صوحان اطلاعی در منابع تاریخی یافت نشده است و نام همسران و شمار دقیق فرزندان وی روشن نیست. برخی منابع از پسر دیگری از صوحان به نام «عمرو» یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup>

اینکه زید و صعصعه از یک مادر بوده‌اند، در منابع تراجم تصریحاتی وجود دارد.<sup>۳</sup> فرزندان صوحان «العبدی» خوانده می‌شدند

---

۱. الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۱۷۶؛ الانساب، ج ۹، ص ۱۹۷؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۴، ص ۸۵.

۲. الاغانی، ج ۱۱، ص ۲۱۶.

۳. الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۴۴.

که این خود انتساب آنان را به قبیله «عبدالقیس» نشان می‌دهد. کتیه زید بن صوحان را ابوسلمان،<sup>۱</sup> ابو عایشه<sup>۲</sup> و ابو عبدالله،<sup>۳</sup> و کتیه صعصعه را ابو عکرمه، ابو عمرو و ابوطلحه دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

درباره فرزندان و نوادگان پسران صوحان نیز آگاهی چندانی در دست نیست؛ تنها نام برخی فرزندان و نوادگان آنان، به‌طور پراکنده، در منابع آمده است که براساس آن اطلاعات، یکی از فرزندان صعصعه «صوحان» نام داشت و در زمان امام سجاد علیه السلام یکی از شیعیان آن حضرت به شمار می‌رفت. براساس برخی روایات، صوحان بن صعصعه فلج بود؛ از این رو از امام سجاد علیه السلام به دلیل ناتوانی برای یاری امام حسین علیه السلام عذر خواست. امام نیز عذرش را پذیرفت و برای پدرش دعای خیر کرد.<sup>۵</sup>



از دیگر فرزندان صعصعه، «عکرمه» بوده که روایتی از پدرش نقل کرده است.<sup>۶</sup> در منابع تاریخی از فردی با نام عبدالرحمن بن صعصعه بن صوحان یاد شده است که به ظاهر پسر صعصعه بود و از سرداران سپاه مسلمانان در فتوحات زمان امویان شمرده می‌شد و در جنگ با

۱. الانساب، ج ۹، ص ۱۹۷.

۲. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۲، ص ۵۵۶.

۳. الانساب، ج ۹، ص ۱۹۷.

۴. تاریخ مدینه دمشق، ج ۲۴، صص ۸۴-۸۷.

۵. اللهوف، ص ۲۲۰.

۶. الغیبه، نعمانی، ص ۱۹۱.

روم شرکت داشت.<sup>۱</sup> دیگر فرزند صعصعه، «محمد» نام داشت که با نام عمرو بن محمد بن صعصعه، در منابع روایی از او یاد می‌شود.<sup>۲</sup> زید بن صوحان در منابع شیعه و اهل سنت به زهد و تقوا شهره بود و گفته‌اند زندگی بسیار زاهدانه‌ای داشت؛ به طوری که، بیشتر وقت خود را به عبادت می‌گذراند. آورده‌اند که او روزها را روزه می‌گرفت و شب‌ها به عبادت می‌پرداخت و چنان در این کار افراط نمود که سلمان فارسی به او اعتراض کرد؛ چراکه از رسیدگی به خانواده‌اش باز مانده بود.<sup>۳</sup> نویسنده «شذرات الذهب» از او به «من الصلحاء الاتقیاء» یاد می‌کند<sup>۴</sup> و ذهبی او را عالمی عابد می‌خواند.<sup>۵</sup>

از جمله فضایل زید بن صوحان حدیثی است از پیامبر ﷺ که مردم آن را در حق زید بن صوحان می‌دانستند. در این حدیث، پیامبر ﷺ از وجود فردی با نام زید خبر می‌دهد که عضوی از بدنش زودتر از خودش به بهشت می‌رود؛ چنان که گفته‌اند زید بن صوحان پس از وفات پیامبر ﷺ در فتوحات عراق، یک دستش قطع شد. از همین رو مردم او را مصداق این حدیث پیامبر ﷺ دانستند و وی را در زمره بشارت‌شدگان به بهشت به‌شمار می‌آوردند. بی‌شک،

۱. الفتح، ج ۷، ص ۱۱۰.

۲. بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۹۴.

۳. المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۵، ص ۱۱۱.

۴. شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۱، ص ۲۰۹.

۵. سیر اعلام النبلاء، الذهبی، ج ۳، ص ۵۲۵.

رفتار پرهیزگاران زید نیز این اندیشه را تقویت می‌کرد.<sup>۱</sup> در منابع اهل سنت صعصعه بن صوحان نیز به دینداری، فضل و عقل ستوده شده است.<sup>۲</sup> صعصعه از یاران مخلص امام علی علیه السلام بود و در جنگ‌های دوران خلافت آن حضرت نقش بسزایی داشت. از آنجاکه بیش از دو برادرش، زید و سیحان، زیست، در منابع تاریخی بیشتر از او یاد می‌شود. احادیثی از امامان شیعه علیهم السلام درباره وی نقل شده است که نشان از جایگاه والای او نزد ایشان دارد؛ برای نمونه، امام صادق علیه السلام درباره او فرمود: «هیچ کس مانند صعصعه و یارانش حق امام علی علیه السلام را نشناختند».<sup>۳</sup> در ادامه به ارتباط صعصعه با امام علی علیه السلام می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که وی اعتقادی راسخ به حقانیت آن حضرت داشت و در باور به تشیع استوار بود.

یکی از ویژگی‌های ممتاز صعصعه بن صوحان که سبب ماندگاری نام او در تاریخ اسلام شد، توانایی شگفت‌انگیز وی در سخنوری بود. البته منابع تاریخی و ادبی زید بن صوحان و برادرش سیحان را نیز از خطبای عرب دانسته‌اند<sup>۴</sup>، اما نام صعصعه از این نظر ممتاز است.<sup>۵</sup> امام علی علیه السلام نیز به همین دلیل او را «شحشح»

۱. درباره این روایت در بخش‌های بعدی کتاب مفصل‌تر سخن خواهیم گفت.

۲. الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۱۷؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۳۷۰.

۳. رجال الکشی، ص ۶۸.

۴. الطبقات الکبری، ج ۶، ص ۲۴۴.

۵. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۲، ص ۷۱۷؛ البیان و التنبی، ج ۱، ص ۹۸.

نامید.<sup>۱</sup> شهرت صعصعه در سخنوری به اندازه‌ای بود که بعدها در متون ادبی نام او مثل شد.<sup>۲</sup>

براساس داستانی از «الأغانی»، وقتی عبیدالله بن زیاد بن ظبیان<sup>۳</sup> را به سبب قتل مصعب بن زبیر نکوهیدند، از او پرسیدند روز قیامت برای این کار خود چه پاسخ و توجیهی خواهی داشت؟ گفت: «اگر در آخرت اجازه پاسخگویی داشته باشم، آرزو خواهم کرد خطیبی توان‌تر از صعصعه بن صوحان باشم تا از عهده دفاع از خود برآیم». در منابع تاریخی گفت‌وگوها و خطابه‌های فراوانی به او نسبت داده‌اند که بخش عمده آن، جدلهایش با معاویه در زمان‌های مختلف است که در ادبیات عرب به مثابه نمونه‌هایی ممتاز در سخنوری نقل شده است. صعصعه که در گفتار خود بسیار بی‌باک و حاضر جواب بود، بارها در مقام نماینده مخالفان با حکومت معاویه و امویان به گفت‌وگو پرداخت و این کار را تا پایان زندگی خود، حتی دوره‌ای که معاویه به خلافت رسید، ادامه داد. همین ویژگی



۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۹، ص ۱۰۶؛ «شحشح» در لغت به معنای فردی است که بر کاری اصرار و استقامت داشته باشد و نیز معنای بخیل و شجاع دارد (لسان العرب، ج ۲، ص ۴۹۵). به گفته سیدرضی کاربرد این واژه در «نهج البلاغه» به معنای فرد ماهر و توانا در سخنوری است و منظور فردی است که در سخن پیگیر و پویا باشد (نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، ص ۴۰۴).

۲. الاغانی، ج ۱۹، ص ۸۷.

۳. فرمانده لشکر زبیریان در جنگ با امویان مصعب بن زبیر بود که از سوی برادرش عبدالله ابن زبیر حاکم نواحی عراق بود.

صعصعه باعث شد امام علیه السلام او را سخنگوی خود بخواند و در مواقع مهم و حساس از بلاغت او بهره گیرد. او بارها در مقام سفیر نزد معاویه رفت و چندبار با خوارج مذاکره کرد. روزی معاویه به عقیل بن ابی طالب گفت:

برخی یاران علی علیه السلام را برایم توصیف کن و از آل صوحان آغاز کن که آنان «مخاریق الکلام» اند.<sup>۱</sup> عقیل در توصیف پسران صوحان گفت:

أَمَّا صَعْصَعُهُ، فَعَظِيمُ الشَّأْنِ، عَضْبُ اللِّسَانِ، قَائِدُ فَرَسَانِ، قَاتِلُ أَقْرَانِ، يَرْتَقُ مَا فَتَقَ، وَ يَفْتَقُ مَا رَتَقَ، قَلِيلُ النَّظِيرِ.

وَأَمَّا زَيْدٌ وَعَبْدُ اللَّهِ<sup>۲</sup>، فَأَيُّهُمَا نَهْرَانِ جَارِيَانِ، يَصْبُ فِيهِمَا الخُلْجَانُ، وَ يَغَاثُ بِهِمَا الْبِلْدَانِ، رَجُلَا جِدًّا لَعِبَ مَعَهُ، وَ بَنُو صُوحَانَ كَمَا قَالَ الشَّاعِرُ:

إِذَا نَزَلَ العَدُوُّ فَإِنَّ عِنْدِي أُسُودًا تَحْلِسُ الأُسْدَ النَّفُوسَا.<sup>۳</sup>

اما صعصعه، مردی والامقام و زبان آور است، فرمانده سواران است و قاتل همگنان، و به حل و عقد امور قادر است. اما زید و عبدالله دو نهر روان اند که جوی‌ها بدان ریزند و شهرها از آن بهره گیرند. در کارها جدی اند و بازی در کارشان نیست. خاندان صوحان چنان اند که شاعر گوید:

وقتی دشمن بیاید، نزد من شیران اند که جان شیران را بگیرند.

۱. کلامشان نافذ و تأثیرگذار است.

۲. ممکن است عبدالله یکی از فرزندان صوحان بوده باشد، هر چند در منابع دیگر به فرزند صوحان با این نام اشاره نشده است.

۳. مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۷.